مجلّه‌ی جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، شماره‌ی هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۵

دکتر محمّدحسن ضیاء توانا
شهرام امیرانتخابی
دانشگاه شهید بهشتی

نقش بازارهای روستایی در فرایند شکل‌گیری سازمان فضایی و شبکه‌ی سکونتگاهی نمونه: شهرستان تالش

چکیده:

سازمان فضایی هر ناحیه، از طریق پویایی شبکه‌ی سکونتگاهی آن تکامل می‌یابد، که البته روند شکل گیری شبکه‌ی سکونتگاهی متأثّر از محیط طبیعی، ساختار اجتماعی و اقتصادی و رویدادهای سیاسی و تاریخی است. در شهرستان تالش، محیط طبیعی و ساختار اجتماعی و اقتصادی این ناحیه زندگی یکجانشینی به‌ویژه شهر نشینی را به تأخیر انداخته بود. نبود راههای ارتباطی مناسب بین واحدهای انسانی ناحیه،یکی از مهمترین موانع یکپارچگی فضایی ناحیه به شمار می‌رفت. به همین دلیل، شبکه‌ی سکونتگاهی نوپای تالش در پیرامون جادّه‌ای شکل گرفته است که در خلال جنگ جهانی دوم احداث شد و سراسرحوزه‌های انسانی ناحیه را در امتداد طولی ناحیه به یکدیگر متصل ساخت. بدین ترتیب، نخستین شهر واقعی ناحیه و به‌دنبال آن بازارهای روستایی در گره‌گاههای این جادّه و حوضه‌ی رودها (که هریک واحدی انسانی را در خود جای داده بودند) شکل گرفت. بازارهای روستایی با توجّه به جمعیّت حوزه‌ی نفوذ شان، گسترش یافته و آنهایی که از موقعیّت جغرافیایی و کارکرد کارآمدی برخوردار بودند، به شهرهای کوچک تبدیل شدند. در نتیجه نظامی سلسله مراتبی از مکان‌های مرکزی به‌وجود آمد که شبکه سکونتگاهی و سازمان فضایی ناحیه را شکل بخشید. اما از سویی تمرکز جمعیّت و فعالیّت‌های اقتصادی، به‌صورت نامتوازنی در حاشیه‌ی جادّه‌ی مزبور متمرکز گردید که عدم تعادل فضایی ناحیه را به‌دنبال دارد. به همین علّت، پیش از تحوّلات خودجوش آینده، هدایت و برنامه ریزی توسعه درمراکز بازاری و روستا- شهرهای ناحیه، امری ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه‌ی روند تحوّلات شبکه‌ی سکونتگاهی تالش با استفاده از منابع تاریخی و بررسی تحوّلات اخیر،

از طریق روش‌های میدانی و اطّلاعات و داده‌های سازمان‌های محلّی به بهترین شکل گویای این واقعیّت مکانی و فضایی است.

واژه‌گان کلیدی: سازمان فضایی، بازارهای روستایی، شبکه‌ی سکونتگاهی، نظام سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها، ناحیه‌ی تالش

مبانی نظری بحث

یک ناحیه‌ی جغرافیایی زاییده توزیع و ترکیب سازمان یافته عناصر طبیعی و انسان ساخت در بخشی از سرزمین می‌باشد که هویّت‌یابی و پویایی آن در قالب سازمان فضایی انجام می‌پذیرد. سازمان فضایی هر ناحیه، نتیجه‌ی ترتیب سازمان یافته‌ی مجموعه‌ای از فعالیّت‌ها در فضاست، که شامل نظامی از مکان‌های مرکزی (گره‌ها)، حوزه‌ی نفوذ و شبکه‌ی ارتباطی بین آنهاست. شیوه‌ی تکامل و نوع پیوندهای این شبکه متأثّر از دو عامل اصلی است.

نخست: موقعیّت جغرافیایی و به تبع آن محیط طبیعی، به‌عنوان بستر اوّلیه‌ی برپایی که توانمندی‌ها و یا تنگناها، شکل و دامنه‌ی شبکه‌ی سکونتگاهی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

دوم: سطح فرهنگ و فناوری جوامع انسانی، که میزان بهره مندی و یا برخورد آنها را با عامل نخست مشخص می‌نماید و آن‌گاه با در هم آمیختگی پدیده‌های انسان‌ساخت، الگوهای سکونتی را دستخوش تحوّل می‌کند.

شبکه‌ی سکونتگاهی در چارچوب فرایند و فرم، درنهایت منجر به سازمان فضایی می‌شود که شرایط لازم را برای پاسخگویی به نیازهای اجتماع محلی موزائیک وار به وسیله‌ی فضای طبیعی تدارک دیده شده، فراهم می‌کند. از این‌رو با هر نوع از جامعه در هر مرحله از تحوّل تاریخی، اشکالی از سازماندهی فضا به‌وجود آمده و با آن سازگار می‌شود. با تحلیل و نیز تقسیم بندی سازمان فضایی می‌توان، ازیکسو به تحلیل نقش عوامل طبیعی در ساختارهای اجتماعی-اقتصادی جامعه و از سوی دیگر به مناسبات سلسله مراتبی میان اجزای تشکیل دهنده‌ی فضا پرداخت (اولیویه دولفوس، ۱۳۷۴: ۲-۱۴۱). پس سازمان فضایی در برگیرنده شماری از گره‌گاههاست که به‌وسیله‌ی شبکه‌ای از خطوط ارتباطی، با یکدیگر پیوند دارند. کارکردهای اساسی گره‌گاههای بزرگ که بر فعّالیّت‌های تخصّصی غیر کشاورزی و عمدتاً بخش سوم اقتصادی استوار است(1) در

برابر گره گاههای کوچک روستایی (به منزله‌ی پایین ترین سطح از نظام فضایی با فعّالیّت‌های کشاورزی) و بـالأخره گره گاههای بینابینی مانند شهرک‌ها و روستا- شـهرها از الگـوی فعّـالیّتی مختلط پیـروی مـی کننـد و براسـاس جابجایی جریان افراد، کالا و خدمات از طریق شبکه‌ی ارتباطی و براساس روش تحلیل جریان‌ها، گره گاههـا بـا یکدیگر پیوند می‌یابند. بدین ترتیب، کلیّت نظام فضایی یعنی مجموعه‌ی گره گاهها، فعّالیّت‌های مرتبط با آنها و کنش متقابل از طریق شبکه‌های اتصال، سازمان فضایی را به‌وجود می‌آورد. از آن‌جا که نظام هستی همـواره در حال تغییر و تحوّل است، سازمان فضایی نیز بـا تأثیرپـذیری از عـواملی چـون افـزایش جمعیّـت، ورود سـرمایه، بهبودی ارتباطات و گسترش شـبکه‌ی ترابـری، همـواره دسـتخوش دگرگـونی اسـت(اجلالـی، ۱۳۶۴: ۵۶-۵۵). بنابراین، سازمان فضایی حاصل تعامل دراز مدّت جوامع انسانی و سـاختار طبیعـی نـواحی اسـت کـه روسـتاها و شهرها عناصراصلی آن‌را تشکیل می‌دهند. از همین رو، پویایی سازمان فضایی متأثّر از نقـش‌هـا و کارکردهـای سکونتگاههای شهری و روستایی و همچنین روابط، مناسبات و پیوندهای بین شـهرها و روسـتاها مـی‌باشـد، کـه به‌وسیله‌ی جریان افراد، کالاها، پول، اطّلاعات و الگوهای متنوّع شغلی انجام می‌پـذیرد(سـعیدی، ۱۳۸۴: ۸۴ و ۸۱) جوامع گوناگون با توجه به الگوهای فرهنگی، به تعاملی طولانی با محیط طبیعی پرداخته‌اند و به‌تدریج شیوه‌های ابتدایی زیست را پشت سر نهاده و اجتماعات سازمان یافته‌ی روستایی را به‌وجود آورده‌اند. با توسعه‌ی شیوه‌های کشت و افزایش تولید، اجتماعات روستایی به مبادله‌ی اضافه تولید پرداخته اند. تداوم این روند به انباشـت مـازاد تولید روستایی در مکان‌هایی با موقعیّت و دسترسی مناسب منجر گردید(عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۴) کـه ابتـدا بازارهـای روستایی و سپس شهرها را به‌وجود آوردند.

طرح موضوع:

شهرستان تالش دارای سازمان فضایی و شبکه‌ی سکونتگاهی نوپایی می‌باشد. تـا قـرون جدیـد (آغـاز عـصر صفویه در ایران) شواهد چندانی از زندگی یکجانشینی در این سرزمین به‌دست نیامده است و ساکنان آن‌را بیشتر طوایفی دامدار تشکیل می‌دادند که با شیوه‌ی نیمه کوچروی، بیشتر در کوهستان‌ها زنـدگی مـی کردنـد. موانـع طبیعی و شیوه‌ی تولید معیشتی، پیوندهای اندام‌وار کارآمد و پویایی بین سکونتگاه‌های روستایی برقرار نشده بود. در نتیجه شکل گیری یک شهر ناحیه‌ای مسلّط و حتی نقاط شهری کوچک در تالش تا نیمـه‌ی قـرن بیـستم بـه تأخیر افتاد. بازارهای روستایی ساحلی تالش نیز از اوایل سده‌ی نوزدهم شناخته شده‌اند. با احداث جاده‌ی انزلی-

آستارا در جنگ دوم جهانی که تمام طول تالش را می‌پیمود، مراکز بازاری در گره‌گاههای جاده ایجاد گردیدند و هر کدام به مکان مرکزی واحدهای انسانی شکل گرفته در داخل حوضه‌ی رودها تبدیل شدند. مهمترین این بازارها (هشتپر) به نخستین شهر و مرکز شهرستان تبدیل شد و طیّ نیم قرن هر یک از بازارها با توجّه به موقعیّت و حوزه‌ی نفوذ مستقیم خود به تدریج رشد نموده و سطوح مختلف نظام سلسله مراتبی شبکه‌ی سکونتگاهی ناحیه را شکل بخشیدند. امّا از سوی دیگر، جمعیت، فعالیّت‌ها و نهادهای شهرستان نیز درحاشیه‌ی جادّه‌ی سراسری ناحیه متمرکز گردید. تبدیل مراکز بازاری بزرگتر به نقاط شهری در کمتر از یک دهه‌ی اخیر نیز این روند را تشدید نموده است، به گونه‌ای که ادامه‌ی این روند، با ایجاد یک کریدور شهری، تعادل فضایی ناحیه را بیش از پیش بر هم خواهد زد.

مرحله‌ی آغازین برپایی سکونتگاههای انسانی بر بستر محیط طبیعی تالش

شهرستان تالش با وسعتی بالغ بر ۲۲۱۶ کیلومتر مربع، بخشی از منطقه شمال‌غربی گیلان محسوب می‌شود که از دامنه‌های خزری رشته کوه‌های تالش و جلگه‌های باریک حاشیه‌ی آن درساحل غربی دریای خزرتشکیل شده است. حدود هشتاد درصد پهنه‌ی این سرزمین در محدوده‌ی کوهستانی قرار گرفته است، که کوهپایه‌ها، پیشکوه‌ها و ارتفاعات میانی آن، از جنگل‌های انبوه خزری پوشیده شده است و ارتفاعات بالاتر را مراتع ییلاقی تشکیل می‌دهند. رودهای متعدّد ناحیه پس از ایجاد درّه‌های ژرفی بر پیکره‌ی کوهستان به جلگه‌ی باریک ساحلی منتهی شده و غالباً با ایجاد دلتا وارد دریا می‌شوند. همین واحدهای ژئومورفولوژیکی (حوضه‌ی رودها) بستر اوّلیه‌ی استقرار واحدهای انسانی تالش بوده‌اند و جماعات نیمه کوچرو و خانوارهای پراکنده جنگل نشین و آبادی‌های کوچک در طبقات مختلف آن استقرار یافته‌اند. البته یافته‌های باستان شناسی و اطّلاعات تاریخی حاکی از استقرار جمعیت در ارتفاعات بالادست، به‌ویژه حوضچه‌های رسوبی ارتفاعات ییلاقاتی همچون مریان و آق اولرمی‌باشد(خلعتبری،۱۳۸۳: ۲۴-۲۱). به‌تدریج با افزایش جمعیّت و خروج از اقتصاد معیشتی، خانوارهای پراکنده‌ای در ارتفاعات جنگلی میانبندی نیز ساکن گردیدند. نخستین سکونتگاههای مبتنی بر زراعت، در خاک‌های آبرفتی مقاطع عریض درّه‌ها و جلگه‌های مجاورشان شکل گرفت که امروزه با حدّاکثر بهره برداری، کرت‌های شالیزارهای برنج به‌صورت ایوان بندی شده در کوهپایه‌های مشرف به درّه‌ها نیز دیده می‌شوند. از دهانه‌ی درّه تا مصب رودها درفاصله اندکی (بین ۱ تا ۵

کیلومتر) نهرهای متعددی از رودها جدا شده و شالیزارهای حواشی رودها را تا ماسه‌های ساحلی آبیاری می‌کنند. بدین ترتیب، ردیفی از حوضه‌ی رودها، خرده نواحی و واحدهای انسانی مجزّایی را شکل داده‌اند که حتی تفاوت‌های لهجه‌ای و فرهنگی-قومی‌ناحیه نیز بر اساس همین واحدها تعریف می‌شود(بازن، ۱۳۶۷: ۶۰۹). آبادی‌های هر واحد، هویّت مکانی خود را از رودها به‌دست آورده است، به گونه‌ای که بزرگترین آبادی‌ها، نام رودها را به خود گرفته‌اند. بدین‌ترتیب، رودهای خاله سرا، ناورود، کرگان‌رود، جوکندان، لیسار، خطبه سرا، شیرآباد، هرندان، حویق، چوبر، پلاسی، لمیر و ویزنه، در دره و دلتای خود،حوزه‌های روستایی را به‌وجود آورده‌اند که البته تعداد آبادی‌ها و جمعیت روستایی درون هر ناحیه با وسعت و پرآبی حوضه رودها ارتباط مستقیمی دارند. بدین معنا که حوضه‌های وسیع کرگان‌رود، ناورود، لیسار، حویق و چوبر، که دلتاهای بزرگی را تشکیل داده‌اند، پرجمعیّت‌تر هستند.

پیدایش شبکه‌ی سکونتگاهی و مکان‌های مرکزی در تالش

درباره‌ی زندگی اجتماعی و اقتصادی تالش، تا عصر صفویه اطلاعات و اسناد دقیق چندانی دردست نیست و تنها می‌توان نتیجه گرفت که تالش فاقد مرکزیت اداری، سیاسی و اقتصادی بوده و بلوک‌های مختلف آن به‌وسیله‌ی حاکمان محلّی نسبتاً مستقلّی اداره می‌شد. مؤلّف گمنام کتاب «حدود العالم» در سال ۳۷۲ه ق به دولاب، کهنرود (کرگان‌رود) و استراب (آستارا) در تالش اشاره می‌کند (حدودالعالم: ۱۴۹) از عصرصفویه در راستای سیاست شناخته شده کوچ و جابجایی اقوام، طوایف عمدتاً ترک زبان در جلگه‌ی تالش اسکان داده شدند.(بازن، ۱۳۶۷: ۶۱۲ و احمدی ۱۳۸۰: ۱۰) ضمن آن‌که بومیان تالش نیز از کوهستان‌ها به جلگه روی آوردند و به‌تدریج روستاهای مبتنی بر کشاورزی (به‌طورعمده کشت برنج) در جلگه استقرار یافتند. اما موانع جغرافیایی ناحیه (تیغه‌های کوهستانی، مانداب‌ها، جنگل‌ها و بیشه زارها) ارتباط درّه‌ها را محدود ساخته و مانع از یکپارچگی فضایی و برپایی مراکز شهری در تالش گردیده بود. حتی جادّه‌ای که شاه عباس در سفر جنگی‌اش به قفقاز، از آستارا تا استرآباد احداث نمود. (عبدالفتاح فومنی، ۱۳۴۹: ۲۰۲) و نادرشاه افشار به هنگام لشکرکشی به تالش، بازسازی کرد (معروف به جادّه نادری) نیز به‌دلیل شرایط طبیعی و اقلیمی ناحیه و عدم تعمیر و نگهداری مدتی بعد از بین رفته‌اند(خودزکو،۱۳۵۴: ۵۵).

در چنین شرایطی، اقتصادی معیشتی روستاهای کوچک و پراکنده تالش از مازاد تولید چندانی برخوردار نبودند تا با انباشت و تبادل آن موجب برپایی مراکز شهری شوند. همچنین وجود بلوک‌های متعدد قدرت و خلأ قدرت مرکزی مسلّط، به فقدان امنیّت اجتماعی برای انباشت ثروت و روابط محدود، گسیخته و نامنظّم اقتصادی با جهان خارج منجرشده بود. بااین‌حال، بازارهای آلالان، کرگان‌رود، دیره کری، لیسار و حویق در دلتای رودهای بزرگ تالش شکل گرفتند، که اضافه تولید روستاهای ناحیه را به بنادر قفقاز و روسیه (به‌ویژه باکو و لنکران) صادر نموده و کالاهای مورد نیاز را از روسیه وارد می‌کردند. در قرن نوزدهم روس‌ها، نمک، قند، پارچه‌های کتانی، کنف، تورهای صیدحیوانات، کتاب و غیره به این بازارها وارد نموده وصادرات بازارهای تالش به روسیه چوب، ذغال چوب، موم، برنج، عسل،ابریشم و مواد غذایی بود(رابینو،۱۳۵۷: ۱۰۰). پس از دوره‌ی اوّل جنگ‌های ایران و روسیه و انعقاد قرارداد گلستان (۱۸۱۳) که نیمه‌ی شمالی سرزمین تالش به روسیه واگذار گردید، دولت تالش جنوبی را به پنج بلوک خان نشین تقسیم نمود. هدف اصلی سازماندهی این بلوک‌های موزاییکی کوچک، کنترل مازاد اقتصادی روستاهایی بود که در سطح جلگه به‌صورت یکنواخت و بدون گسیختگی فضایی توزیع شده بودند، زیرا کنترل این تولید پراکنده و جذب مازاد آن مستلزم انطباق الگوی توزیع قدرت با آن بود. (عظیمی، ۱۳۸۱: ۵۱).

تحوّلات سیاسی کشور در نیمه‌ی اوّل سده‌ی بیستم میلادی، نخست بر نقش و اهمیت بازارهای ساحلی تالش افزود امّا اندک زمانی بعد، به رکود و زوال این بازارها انجامید. بدین صورت که براثر تحوّلات سیاسی ناشی از انقلاب مشروطه (۱۲۸۸ خورشیدی) نظام خانات از تالش برچیده شد و نقش سیاسی و اداری مقرّ خانات در کوهپایه‌ها نیز به بازارهای ساحلی منتقل گردید و طیّ سه دهه (از انقلاب مشروطه تا جنگ دوم جهانی) دو بندر شفارود و کرگان‌رود، علاوه بر مرکزیّت تجاری به مراکز اداری تالش نیز تبدیل شدند. امّا تغییرات سیاسی بین دو جنگ جهانی در دوسوی مرز (ایران و روسیه) اثرات تعیین کننده‌ای بر نظام سکونتگاهی و شهری تالش بر جای گذاشت. بدین ترتیب که:

۱. با انقلاب کمونیستی در روسیه (۱۹۱۷) و استقرار کامل نظام شوراها در قفقاز (۱۹۲۲) روسیه، نفوذ سیاسی و برتری تجاری خود را در شمال ایران از دست داد و در نتیجه از حجم روابط بازرگانی بنادر تالش با قفقاز و روسیه کاسته شد (عبدالهی، ۱۳۸۲: ۱۰۰ و۹۹). اما پشتیبانی دولت شوروی از تجزیه طلبان آذربایجان (۴۶-۱۹۴۵) در اواخراشغال ایران که تالش را نیز به تصرّف درآورده بودند، موجب شد تا پس از رفع این غایله روابط

تجاری بنادر ایرانی دریای خزر با دولت شوروی به کلّی قطع شود و در نتیجه بنادر کوچک تالش کـاملاً رو بـه افول بگذارند (عظیمی،۱۳۸۱: ۱۱۰-۱۰۹).

۲. در ایران با روی کار آمدن حکومت پهلوی و استقرار نظام متمرکز اداری در کشور، استقلال نسبی بنـادر تالش به‌خاطر پیوند با اقتصاد ملّی تقریباً از دست رفت.ضمن آن‌که در اوایل حکومت پهلـوی، دولـت درصـدد برآمد تا با احیای جادّه‌ی نادری مراکز قدیمی حکومت در تالش را احیا کند. بدین منظور درسال‌هـای پـیش از جنگ جهانی یک شرکت آلمانی مأمور احداث این جادّه گردید، لیکن با تهاجم نیروهای متّفقـین بـه ایـران در شهریور ۱۳۲۰خورشیدی و اشغال شمال ایران به‌وسیله‌ی ارتش شوروی، این طرح ناتمام ماند. امّا بلافاصله خـود روس‌ها برای تسهیل و تقویت خطوط ارتباطی بین جنوب و شـمال ایـران جهـت پـشتیبانی نیروهـای متفقـین از جبهه‌های جنگ آلمان و روسیه، به‌سرعت دسـت بـه احـداث همـین جـادّه زدنـد. جـادّه‌ی مـذکور بـر شـبکه سکونتگاهی و سازمان فضایی تالش اثرات تعیین کننده داشت. بدین ترتیـب کـه تـا پایـان جنـگ جهـانی دوم، بازارهای ساحلی (کرگان‌رود، آلالان، حویق و لیسار) و ادارات و سازمان‌های اداری آنها به کنار این جـاده جابجـا گردیدند. جاده سراسری جدید از محل بنادر قدیمی و دریا فاصله گرفته و از حاشیه‌ی کوهپایه‌ای جلگـه عبـور نمود. بدین ترتیب از آستارا تا انزلی شبکه شهری به صورت خطی در امتداد جاده شکل گرفته است کـه تقریبـا هیچ شهری در خارج از مسیر جادّه وجود ندارد، حتی شهرهای قدیمی واقع در ساحل همانند بازار کرگـان‌رود و یا بازارهای اسالم، شفارود و حویق همگی پس از احداث جاده مزبور متروکـه شـده و بـا یـک عقـب نـشینی هم‌زمان با هم به سمت پایکوه در محل کنونی خود پا گرفتند(رهنمایی، ۱۳۶۹: ۹۱).

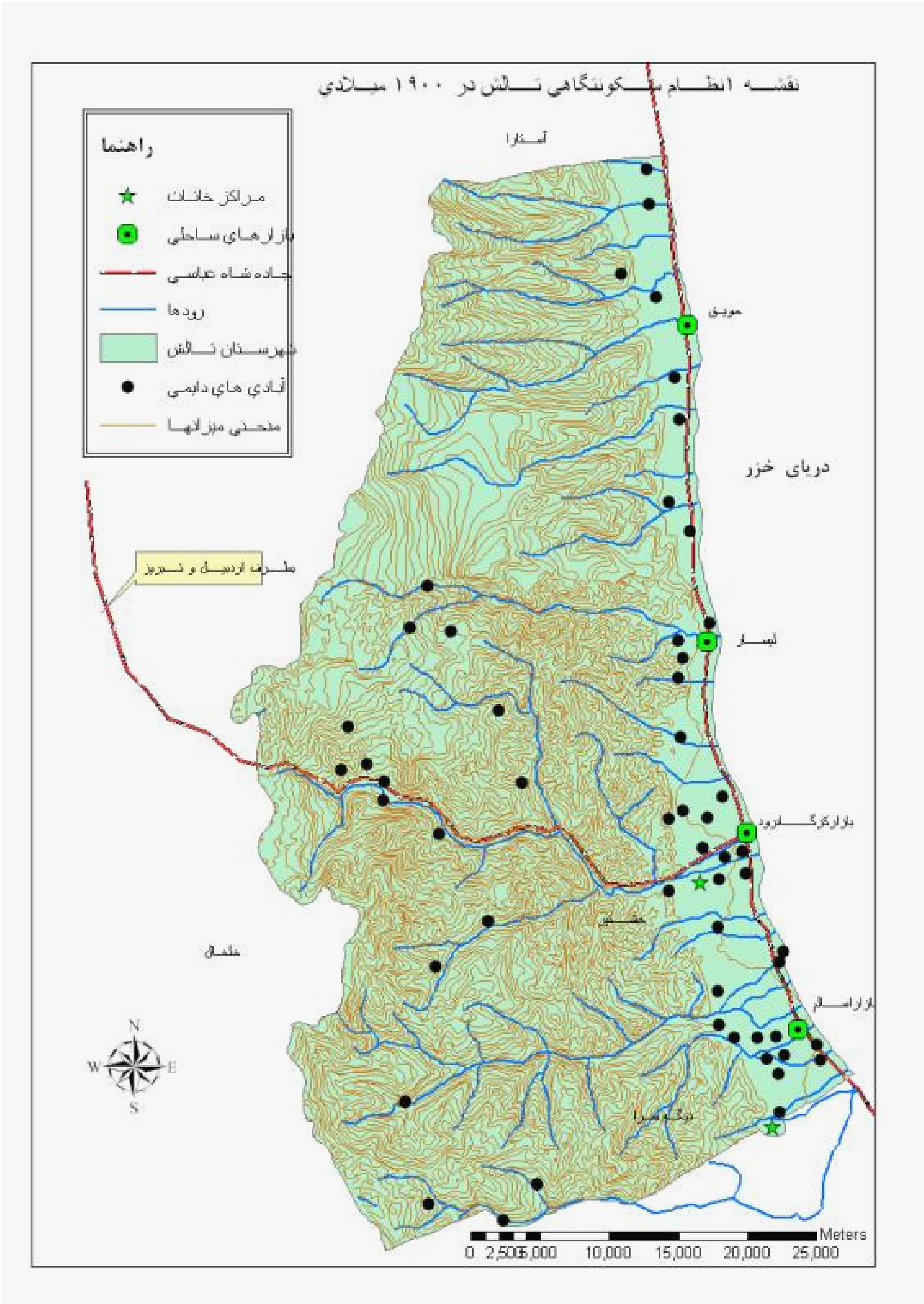
برپایی نخستین شهر و بازارهای روستایی در گره‌گاههای جلگه‌ی تالش

مهمترین پیامد مکانی-فضایی احداث جاده سراسری ناحیه، انتقال بازارکرگان‌رود به هشتپر و شکل گیـری نخستین شهر تالش می‌باشد. پس از انتقال بازار، ادارات و ساکنان کرگان‌رود به هـشتپر، مرکـز اداری تـالش نیـز به‌این مکان منتقل گردید. در نتیجه، برای نخستین بار مرکز اداری و اقتصادی ناحیه در یک مکان ادغام گردیـد. با این‌حال هشتپر تا سال ۱۳۳۰ هنوز یک نقطه شهری محسوب نمـی‌شـد. فرهنـگ جغرافیـایی کـشور در سـال ۱۳۲۸ این آبادی را این چنین تعریف می کند.

«....قصبه هشتپر، مرکز فعلی شهرستان طوالش... بیش از پانزده سال نیست که احداث گردیده، فعلاً مرکز ادارات کشوری مانند فرمانداری، دارایی، ژاندارمری، شهربانی، بهداری، ثبت اسناد و سایر ادارات است. بیمارستان ۲۵ تختخوابی دارد و دبستان دولتی در شرف بنا ست و ۳۰۰ باب دکاکین در طرفین جادّه قرار دارد که روز به روز به اهمیت آن افزوده می‌شود. سکنه‌ی فعلی آن در حدود ۲۰۰۰ تن است.»(فرهنگ جغرافیایی ایران، استان یکم،ستاد ارتش: ۱۳۲۸)

دردهه‌های بعدی این شهر با جذب مهاجرین شهرستان‌های مجاور به سرعت افزایش جمعیت یافت و از لحاظ فیزیکی و کالبدی نیز گسترش یافت. هم‌زمان با فرایند جابجایی بازارهای ساحلی به حاشیه‌ی جادّه‌ی جدید، در تمام مکان‌هایی که جادّه در دهانه درّه‌ها، رودها را قطع می‌نمود، به‌طور طبیعی گره‌گاههایی پدید آمد که در آنها ردیفی از بازارهای روستایی شکل گرفت. در نتیجه، بیشتر جمعیت، فعّالیّت‌های خدماتی، تجاری و تاحدّی صنعتی درحاشیه‌ی جادّه‌ی مذکورمتمرکز گردید و موجب شد تا سکونتگاههای تالش از داخل حوضه‌های آبریز و کرانه‌ی خزری به محور جاده‌ی سراسری میانه‌ی جلگه منتقل گردد(رهنمایی، ۱۳۶۹: ۹۱). آبادی‌های حوضه‌ی رودها (از کوهستان تا دریا) با دسترسی به بازارهایی که درگره‌گاهها برپا گردیده‌اند. از این طریق جادّه سراسری به دیگر مراکز روستایی و شهری منطقه پیوند برقرار می‌کنند. بدین ترتیب، گره‌گاهها با به‌دست آوردن اهمیّت ارتباطی ویژه، به مکان مرکزی حوزه‌های روستایی تبدیل شدند.

در نیمه‌ی جنوبی ناحیه (از اسالم تا خطبه سرا) که جلگه عریض‌تر است، بازارهای روستایی، در بخش میانی جلگه استقرار یافته‌اند به گونه‌ای که فضای جلگه را به دو بخش ساحلی (از جاده تا دریا) و کوهپایه‌ای (از جاده تا کوهستان) تقسیم نموده‌اند. به همین علّت آبادی‌های بیشتری در دوسوی آنها شکل گرفته است. درحالی‌که در نیمه شمالی (از کشلی تا ویزنه) با کوچک تر شدن حوضه‌ی رودها و باریک تر شدن جلگه، جادّه‌ی سراسری به دریا نزدیکتر شده و به تبع آن، مکان استقرار بازارها به انتهای حوضه‌ی رودها و حاشیه‌ی شرقی جلگه گرایش می‌یابد و تمام جمعیّت روستایی در سمت غرب بازار (از جاده تا کوهستان) استقرار یافته است. به همین علّت بازارهای نیمه جنوبی بزرگتر و پر رونق تر هستند. (ن.ک جدول ۱)


نقشه ۱ نظام سکونتگاهی تالش در ۱۹۰۰ میلادی
راهنما
مراکز خانات
بازارهای ساحلی
جاده شاه عباسی
رودها
شهرستان تالش
آبادی های دایمی
منحنی میزانها
آستارا
دریای خزر
طرف اردبیل و تبریز
لیسار
بازار کرگانرود
خلخال
بازار اسالم
N
W
E
S
Meters
0 2,500 5,000 10,000 15,000 20,000 25,000

جدول۱. مشخصات و تحوّلات بازارهای روستایی شکل گرفته در حوضه‌ی رودهای تالش

حوزه روستایی	مساحت حوضه /کیلومترمربع	سطح زیر کشت هکتار	تعداد آبادی حوضه	جمعیت بازار روستایی			جمعیت دیگر آبادی‌های حوزه			رشد سالانه ۴۵-۷۵	رشد سالانه ۷۵-۸۵
				۱۳۴۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۴۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵		
ویزنه	۱۳/۴۶	۲۸۰/۹۵	۷	۴۳۴	۱۸۸۵	۲۲۹۰	۷۷۵	۱۶۵۱	۱۸۹۸	۵/۳	۱/۸
لمیر	۸۷/۷۵	۲۴۱/۸۵	۲۴	۲۳۲	۶۲۶	۶۶۳	۲۲۹۶	۲۲۷۰	۴۳۵۲	۳/۵	۰/۵
خلج لر	۱۶/۶۵	۳۱۸	۲	۱۱۷	۳۲۷	۵۴۱	۳۲۲	۷۵۸	۹۱۸	۳/۶	۴/۶
چوبر	۷۹/۸۳	۴۳۵/۹۵	۲۲	۴۸۴	۱۱۱۹	۱۵۹۵	۳۲۵۷	۵۴۷۴	۴۹۹۸	۲/۹	۳/۲
حویق	۱۳۱/۲۱	۴۸۳/۰۷	۱۹	۳۷۸	۸۰۶	۱۱۴۶	۱۴۲۳	۱۸۹۹	۶۱۸۲	۲/۶	۳/۲
هرندان	۱۸/۲۶	۲۶۶/۱۷	۴	۶۶۷	۱۷۹۴	۱۵۷۱	۴۳۷	۵۹۳	۷۴۸	۳/۵	-۱/۲
شیرآباد	۱۲۵/۵۶	۳۶۷	۵	۸۰	۵۳۵	۳۹۶	۱۱۶۴	۲۱۷۰	۲۴۳۴	۷	-۲/۷
خطبه سرا	۱۲۸/۷۴	۵۴۳/۳	۲۳	۳۷۵	۸۰۸	۹۹۰	۳۷۹۵	۶۸۱۹	۷۸۴۹	۲/۷	۱/۸
لیسار	۲۱۸/۸۴	۱۵۳۰	۳۷	۳۷۰	۱۳۰۵	۸۹۱۷	۶۸۶۱	۱۱۲۴۶	۱۰۲۰۳	۴/۵	۱۸/۹
جوکندان	۴۹/۱۶	۵۳۲/۲	۱۳	۳۲۴	۱۱۰۸	۲۲۳۱	۳۹۳۳	۶۸۱۹۲	۵۶۶۵	۴/۴	۶/۵
بازاراسالم			۱۵	۵۱۳	۲۱۶۹	۳۵۳۶	۴۳۷۱	۸۹۵۱	۱۲۲۲۸	۴/۶	۴/۵
ناوپایین	۲۸۷/۱	۲۶۳۳/۹	۳۴	۲۲۱	۹۶۷	۲۲۸۹	۳۱۵۱	۷۳۱۰	۷۵۹۲	۴/۷	۸
خلیف آباد			۱۷	۱۸۵	۳۴۰۲	۴۸۱۶	۲۹۴۰	۵۶۸۱	۶۹۲۸	۱۰	۳/۲
خاله سرا۵۷	۸۹/۶۴	۸۸۹/۴	۶	۱۲۲۷	۲۴۴۲	۲۳۰۵	۱۰۱۶	۲۴۴۶	۳۱۴۳	۵/۳	-۰/۵

مأخذ: داده‌های اداری آبیاری تالش و سازمان جهاد کشاورزی تالش در ۱۳۸۴

شکل‌گیری مراکز خرده نواحی و مراکز محلّی از بازارهای روستایی

بازارهـای روسـتایی بـا توجّـه بـه جمعیـت و وسـعت حـوزه‌ی نفوذشـان، از سـطوح کـارکردی متفـاوتی برخوردارند. به طور طبیعی، بازارهای حوضه‌های بزرگ‌تر به سرعت توسعه یافتـه‌انـد. بـه گونـه‌ای کـه براسـاس داده‌های فرهنگ جغرافیایی کشور، به سال ۱۳۲۸، اسالم، لیسار و حویق به ترتیب ۱۵۰، ۱۰۰ و ۸۰ دکان وجـود داشته‌اند.[۲] که اکنون به بیش از ۳۰۰ واحـد در هـر یـک از آنهـا افـزایش یافتـه اسـت، در حـالی‌کـه در برخـی بازارهای کوچکتر، اکنون نیز بیش از ۳۰ دکان به فعّالیّت نمی‌پردازند. از همین رو در دهـه‌ی ۱۳۵۰ خورشـیدی

نظامی سلسله مراتبی تالش، پس از مرکز شهرستان، به لحاظ اندازه و کارکرد از دو سطح بازارهای روستایی تشکیل شده بود:

الف) مراکز محلّی: این مراکز نیازهای ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ تن را برآورده می کند و در آنها بین ۱۰ تا ۶۰ مغازه به شرح زیر وجود دارد.

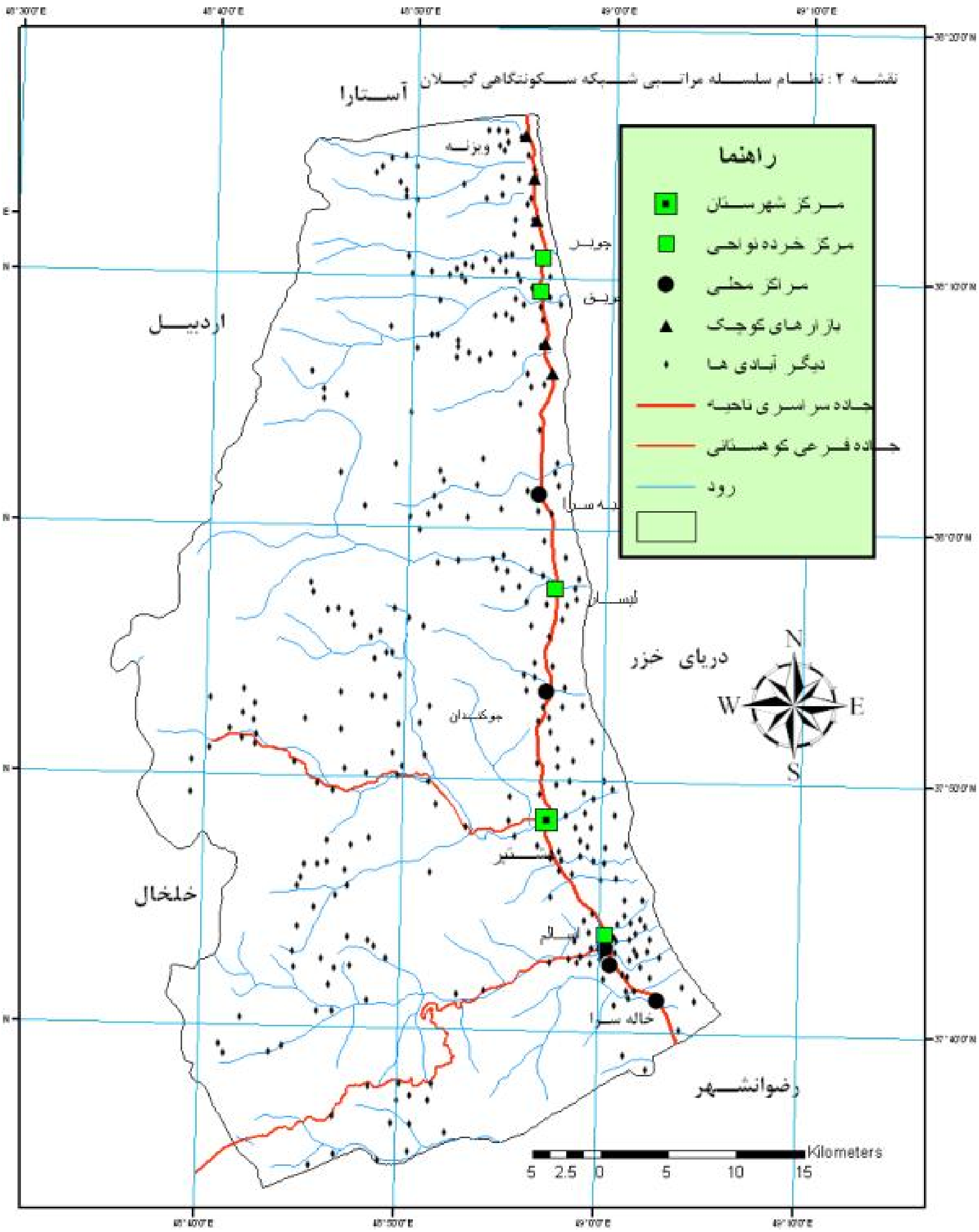
- قهوه خانه و یکی دو آرایشگاه؛
- تجارت موادّ غذایی: شامل بقالی‌ها، قصابی‌ها و نانوایی‌ها؛
- تجارت موادّ غیر غذایی: شامل پارچه فروشی‌ها، کفاشی‌ها، ابزار و آلات فروشی‌ها؛
- احتمالاً یک یا دو دلاّل متخصّص خرید و فروش برنج (علاّف).

صنعت گران: شامل درودگران، آهنگران و یا تعمیرکاران دوچرخه و موتور، سرّاج، خیاط و به‌ندرت سفالگر و یا سبد باف. در این مراکز چندین خدمت عمومی نیز یافت می‌شود، ولی تعداد آنها در هر مرکز به‌ندرت از دو یا سه مورد بیشتر می‌شود.

بافت داخلی این مراکز بسیار ساده بوده، دکان‌ها و قسمتی از بناهای عمومی ساختمان‌های ابتدایی هستند که به‌صورت مستطیل‌هایی یکپارچه، به‌صورت خطی و در دو سوی خیابان اصلی در کنار هم ردیف شده بودند. ساختمان‌های صنعتی (برنجکوبی و کشتارگاه) در حاشیه‌ی بازار و اندکی عقب تر از ردیف مغازه‌ها قرار دارند.

ب) مراکز خرده نواحی: مراکز تجارتی دایمی اسالم، خاله سرای پنجاه و هفت، لیسار، خطبه سرا و حویق که نیازهای ۵۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ تن را برآورد می کنند. در این مراکز فعالیّت‌های تجاری غنی تر و خدمات عمومی کامل تر است. بیشتر تجارت‌خانه‌ها از همان نوع مراکز محلّی هستند، ولی تعداد آنها بیشتر و در ضمن برخی از مغازه‌ها و صنعتگران تخصصّی تر نیز به آنها افزوده می‌شوند، مانند؛ داروخانه، خشک‌شویی، بستنی فروشی، فروشندگان و تعمیرکاران رادیو، مشاغل مربوط به اتومبیل و غیره. نحوه‌ی استقرار مغازه‌ها در این مراکز نیز خطی است. ساختمان‌های عمومی این بازارها عبارت‌اند از: ژاندارمری، بهداری و مدارس ابتدایی و متوسّطه، دفتر اداره جنگلبانی(بازن، ۱۳۶۷: ۵۷۶– ۵۸۵).

طیّ سه دهه‌ی اخیر کارکردهای تجاری، خدماتی مراکز خرده نواحی افزایش قابل توجهی یافته و به برتری بیشتر آنها بر مراکز محلّی منجر گردیده است. (نقشه ۲)


نقشه ۲ : نظام سلسله مراتبی شبکه سکونتگاهی گیلان
راهنما
مرکز شهرستان
مرکز خرده نواحی
مراکز محلی
بازارهای کوچک
دیگر آبادی ها
جاده سراسری ناحیه
جاده فرعی کوهستانی
رود
آستارا
اردبیل
خلخال
دریای خزر
رضوانشهر
ویرنه
جوکندان
خاله سرا
N
S
W
E
Kilometers
5 2.5 0 5 10 15

در بازارهای بزرگتر مراکز خرده نواحی، انواع خردهفروشی‌ها، فروشگاههای دادوستد برنج، تأمین نهاده‌های کشاورزی، خدمات و تعمیرات انواع خودرو و نیز خدمات آموزشی (در سطح دبیرستان و پیش دانشگاهی) و بهداشتی و درمانی (پزشک عمومی خانه بهداشت و درمانگاه) گسترش یافته است تا جایی که تمرکز تدریجی فعّالیّت‌ها و خدمات تجاری، آموزشی و اداری بیشتر در بازارهای روستایی، آنها را عملاً به روستاشهر تبدیل نموده است. *راندنیلی و رادل* چنین سازمان فضایی را از ویژگی‌های کشورهای درحال توسعه می‌دانند که به‌جای وجود شهرهای بازاری پراکنده که پیونددهنده‌ی مراکز شهری و روستایی باشند، تداوم ماهیّت اقتصاد روستایی کشورهای درحال توسعه باعث شده تا در آنها بازارهایی به اندازه‌ی کافی بزرگ برای تجاری کردن کشاورزی شکل نگیرند و شبکه‌ی تولید و مبادله‌ی صنعتی نیز ایجاد نشوند. چرا که جمعیّت اندک ساکن در آبادی‌های پراکنده، زمینه را برای تمرکز کافی جهت ایجاد بازارهای دایمی نهادینه شده و یا تشویق تولیدات بیشتر کشاورزی فراهم نیاورند. درچنین شرایطی پس انداز و سرمایه گذاری دلیلی موجّه نداشته، تخصّص و تقسیم کار اتفاق نمی‌افتد و فرصت برای گسترش بازارها و اشتغال غیرکشاورزی نیز بسیار اندک می‌شود(خراط زبر دست، ۱۳۷۸: ۲۷). اما پیدایش بازارهای متعدد تالش تنها در این قالب توجیه نمی‌شوند. چراکه جوانه زدن بازارهای محلی درحوزه‌های روستایی گوناگون تالش چه درگذشته به‌صورت بنادر کوچک ساحلی وچه به‌صورت بازارهای روستایی کنار جادّه نتیجه قهری ویژگی‌های مکانی و طبیعی ناحیه است. ضمن آن که،کارکرد بین راهی بازارهای روستایی تالش نیز در برپایی و پویایی آنها مؤثّر بوده است. به‌عبارت دیگر، این بازارها برای کارکردهای تجاری وخدماتی خود تنها به روستاییان حوزه‌ی نفوذشان وابسته نیستند، بلکه ارزش آستانه برخی از فعّالیّت‌های آنان (مانند خدمات تعمیرگاهی و پذیرایی) با تکیه بر مشتریان بین شهری جاده پا گرفته و دوام یافته است و تنوّع و تکثّر واحدهای تجاری و خدماتی حاشیه‌ی جادّه در بازارهای روستایی و دیگر آبادی‌های حاشیه‌ی جاده، حاکی از کارکرد خدمات بین راهی این سکونتگاه‌ها درحاشیه‌ی جادّه‌ای است، که جریان کالا و مسافر از آستارا، شهرهای استان اردبیل و جمهوری آذربایجان به داخل کشور از طریق آن انجام می‌پذیرد. این جریان به‌ویژه در تابستان به توسعه‌ی بیش از پیش فعّالیّت‌های بخش خدمات در حاشیه‌ی جادّه منجر شده است. داده‌های جدول ۲ با نمایش نسبت واحدهای تجاری به خانوارهای تابع هر بازار، نشان می‌دهد که واحدهای تجاری و خدماتی مستقر در بازارها برای تأمین ارزش آستانه‌ی کالاها و خدمات خود تنها بر مشتریان حوضه‌ی نفوذ متکی نیستند، بلکه بر مشتریان بین شهری نیز اتکاء دارند.

جدول ۲. نسبت بین واحدهای تجاری به خانوارها را در آبادی‌های بازاری تالش

نام بازار	تعداد خانوارهای داخل بازار	تعداد خانوارهای آبادی‌های حوزه نفوذ	تعداد واحدهای تجاری	سرانه واحد تجاری به خانوار
ویزنه	۵۰۵	۱۰۰۹	۴۵	۲۲
لمیر	۱۳۳	۷۴۱	۳۰	۲۴/۷
خلج لر(پلاسی)	۱۱۱	۲۹۰	۱۸	۱۶
چوبر	۳۹۴	۱۷۴۷	۱۱۸	۱۴/۸
حویق	۲۴۶	۱۴۳۲	۱۴۳	۱۰
هرندان	۳۳۶	۴۸۷	۵۷	۸/۵
شیرآباد	۹۰	۶۲۹	۸۱	۷/۷
کشلی	۶۱۴	۶۱۴	۴۱	۱۵
خطبه سرا	۲۲۰	۲۰۸۹	۱۶۷	۱۲/۵
لیسار	۱۸۹۰	۴۱۶۸	۳۸۵	۱۰/۸
جوکندان	۴۵۲	۱۸۴۵	۶۲	۲۹/۷
اسالم	۲۶۸۳	۷۲۷۶	۵۵۸	۱۳
خاله سرا	۶۸۹	۱۹۰۰	۳۵	۵/۶

مأخذ: گزارش عملکرد سالانه شورای اصناف شهرستان تالش۱۳۸۴

بنابراین، به لحاظ کارکردی بازارهای روستایی را در نظام سلسله مراتبی مکان‌های مرکزی ناحیه می‌توان به سه سطح تقسیم نمود.

- مراکز خرده نواحی: بازارهایی هستند که به روستاشهرتبدیل شده و امروزه با گسترش نظام اداری، مراکز بخشداری‌ها در آنها استقرار یافته است و سپس به‌طور رسمی به نقاط شهری تبدیل شده‌اند. که عبارت‌اند از: اسالم، لیسار، حویق و چوبر و معادل مراکز منظومه‌ها هستند.
- مراکز محلی: که بازارهای روستایی حوضه‌های کوچکتراند و خود بازارها و روستاهای حوزه نفوذشان برای سطح بالاتری از خدمات به روستاشهرها وابسته‌اند. این مراکز عبارت‌اند از خاله سرا در اسالم،

خطبه‌سرا در لیسار، و جوکندان در بخش مرکزی که معادل مراکز دهستان‌های مجموعه‌های روستایی‌اند.

- بازارهای کوچک: که در گرهگاه رودهای کوچک ناحیه شکل گرفته اند و تنها بر آبادی‌های یک حوضه‌ی رودخانه مرکزیّت دارند و در نظام سلسله مراتبی برابر با حوزه‌های روستایی هستند که عبارت‌اند از ویزنه، لمیر، خلج لر، شیر آباد، هرندان.

تبدیل بازارهای روستایی به شهر و پیامدهای آن

مراکز خرده نواحی با پیوند بازارهای کوچکتر و حوزه‌های روستایی به مرکز شهرستان، نقش مهمّی را در شبکه‌ی سکونتگاهی بر عهده گرفته‌اند. این بازارها با جذب جمعیّت از روستاهای حوزه‌ی نفوذ و حتی شهرستان‌های مجاور، به‌تدریج بر کارکردهای تجاری، خدماتی، اداری و حتی صنعتی خود افزوده‌اند. بنابراین، تقویت و توسعه‌ی نقش و کارکردهای آنها، کلید توسعه‌ی ناحیه و عامل تکامل و بلوغ شبکه سکونتگاهی ناحیه به‌شمار می‌آید. از این‌رو، همسو با مطالبات مردم محلی، دولت نیز به تبدیل بازارهای روستایی به شهر گرایش نشان داده است و به ترتیب زیر چهار شهرکوچک را در شهرستان تالش ایجاد نموده است.

۱. اسالم:هسته‌ی اصلی شهر اسالم از ترکیب آبادی‌های بازار اسالم، ناوپایین و خلیف آباد تشکیل شده است که بخش‌هایی از روستاهای پیرامونی نیز در طرح هادی جدید جزو محدوده‌ی شهر منظور شده‌اند؛

۲. حویق: از ترکیب آبادی‌های بورمه سرا، صولی محله، صیدگاه حویق (بهشتی محله)، اوتار محله و باغشلومحله و ریک محله؛

۳. لیسار: این شهر نخست در محدوده‌ی روستای لیسار تعریف شد، امّا بعداً بخش‌هایی از روستاهای نمازی محله،سیدلر، قلعه بین و اوتار نیز در محدوده‌ی شهر واقع شده‌اند؛

۴. چوبر: که در بهار سال ۱۳۸۴ به شهر تبدیل و از محدوده‌ی روستاهای چوبر، حاج یداله محله، للکه محله،خلخالیان، مسجدقباقی و بالامحلّه تشکیل شده است.

تأسیس رسمی این شهرها، پیامدهای مکانی-فضایی و کالبدی مهم وتعیین کننده‌ای بر شبکه‌ی سکونتگاهی و چشم انداز ناحیه نهاده است. اهمیت و رونق این بازارها موجب گرایش روز افزون جمعیت ناحیه به محدوده‌ی جلگه‌ای و استقرار در آبادی‌های حاشیه جادّه شده است. به گونه‌ای که امروزه کوهستان‌ها

دارای جمعیت بسیار اندکی است و جلگه‌ها علی‌رغم باریکی و محدودیّت فیزیکی شان ۹۵٪ جمعیت شهرستان را در خود جای داده‌اند. برپایی روستاشهرها، از طریق توسعه‌ی فعّالیّت‌های اقتصادی و بر عهده گرفتن بخشی از کارکردها و نقش‌های شهری، می‌تواند خلأ موجود ناشی از دوری مراکز شهری را در ناحیه جبران نماید.پراکندگی فضایی این روستاشهرها دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. شهرهای اسالم و لیسار در جنوب و شمال هشتپر، به دلیل نزدیکی به مرکز شهرستان و بالطّبع بازار بزرگتر و خدمات اداری، مالی و تجاری برتر این شهر و پیشینه‌ی طولانی وابستگی به آن عملاً توانایی رقابت را ندارند. اما هردوی آنها در امتداد جادّه به شکل طولی گسترش یافته‌اند. به گونه‌ای که بیشتر روستاهای بخش اسالم به شهر اسالم و دهستان لیسار به شهر لیسار منتهی می‌شوند.

۲. شهرهای حویق و چوبر که در مجاورت یکدیگر واقع شده‌اند، فاصله‌ی بیشتری با مرکز شهرستان(۴۰ تا ۴۳ کیلومتر دارند). حویق به عنوان مرکز بخش از اهمیّت اداری بیشتری برخوردار است. این شهرها و حوزه نفوذ آنها به شهر آستارا نزدیکتر بوده و به بازار این شهر مراجعه می‌کنند و بیشتر برای مراجعات اداری بـه مرکز شهرستان تالش مراجعه می‌کنند. ازاین‌رو، توسعه‌ی شهرهای بالا نقش مهمّی را در خدمات‌رسانی و توسعه‌ی فضایی منتهی الیه شمالی شهرستان ایفاء خواهد نمود و خلأ بین مراکز شهرستان‌ها را پر می‌کند.

بنابراین با تبدیل بازارهای روستایی بزرگتر به شهر، ضمن تقویت نقش آنها، سطح دوم مکان‌های مرکزی شهرستان به دو بخش تقسیم شده است، بدین ترتیب که:

الف) در بخش اسالم که از چهار بازار روستایی نزدیک به هم بازاراسالم، ناوپایین، خلیف آباد و خاله سرای پنجاه و هفت تشکیل شده بود، سه بازار اسالم، ناوپایین و خلیف آباد کـه در امتداد جاده بـه یکدیگر پیوسته بودند، یکپارچه شده و شهر اسالم را تشکیل داده‌اند که در سطح دوم نظام سلسله مراتب سکونتگاهی شهرستان قرار گرفته است. به‌عبارت دیگر یک نقطه‌ی شهری جایگزین سه گرهگاه و بازار گردیده است و بازار خاله سرای پنجاه و هفت درنقش بازارهای کوچک به عنوان مرکز دهستان در مرتبه‌ی سوم قرار گرفت و روستاهای جنوب حوضه‌ی رودخانه‌ی خاله سرا را به شهر اسالم (مرکز بخش) و مرکز شهرستان متّصل می‌سازد. در کوهپایه‌های غرب نیز روستای بزرگ و پرجمعیت خرجگیل به عنوان مرکز دهستان روستاهای این محدوده را به شهر اسالم پیوند می‌دهد.

ب) در بخش کرگان‌رود (لیسار) شهرلیسار نیز در سطح دوم قرار گرفته و بازار خطبه سرا در سطح سوم قرار می‌گیرد. که روستاهای حوضه‌ی رودخانه خطبه سرا به‌طور مستقیم به آن می‌پیوندند و برای کارهای اداری به بخشداری و ادارت شهر لیسار مراجعه می‌کنند.

پ) در بخش حویق: دو شهر حویق و چوبر در میانه این بخش تشکیل شده است. بدین ترتیب حویق به عنوان مرکز بخش در سطح دوم قرار می‌گیرد، امّا چوبر در جایگاه سوم قرار می‌گیرد و بازارهای کوچکتر شیرآباد و هرندان در سطح پایین تر از حویق و بازارهای لمیر، پلاسی و ویزنه در سطح چهارم پس از چوبر و حویق قرارمی‌گیرند و بقیه‌ی آبادی‌ها در حوزه‌ی نفوذ آنها واقع شده‌اند. پیچیدگی نظام سلسله مراتبی در این بخش ناشی از شکل باریکتر ناحیه و تفکیک و هویّت‌یابی بیشتر روستاها در درون حوضه‌های رودخانه‌ای است که در اسالم به‌خاطر عرض بیشتر جلگه و همگنی و نزدیکی بیشتر فرهنگی و فضایی اسالم مراکز سکونت‌گاهی عمده آن، در هم ادغام شده‌اند.

نظام سلسله مراتبی مراکز سکونتگاهی تالش پس از تبدیل بازارهای روستایی به شهرها

روند تحوّلات شهرهای جدید تالش دو سناریو را می‌تواند به‌دنبال داشته باشد. نخست؛ روندی که همه‌ی فعالیّت‌ها و برنامه ریزی‌ها را در جهت همانندسازی مورفولوژی این شهرها به سیمای شهری شناخته شده دارد. در این چارچوب فضاهای متخلخل شهر (شامل باغ‌ها، شالیزارها و اراضی بایر) هر چه سریع‌تر به کاربری‌های جدید مسکونی، تجاری، اداری و غیره تبدیل خواهند شد و با احداث خیابان‌ها و تأسیسات شهری، چهره شهری به این مکان‌ها داده می‌شود. سناریوی دوم؛ مبتنی بر نگاهی تازه بر شهرهای کوچک در حوزه‌های روستایی است که بدون دغدغه همسان شدن مورفولوژی آنها با دیگر شهرها، مصالحه ای بین چشم اندازهای طبیعی روستاها و اراضی حاصلخیز کشاورزی و کارکردهای سودمند شهری ایجاد می‌کند. بنابراین پیش از آن‌که ساخت و سازهای بی رویه‌ی شهری تمام محدوده‌ی وسیع و کم تراکم این شهرها را اشغال نماید، می‌توان تعریف متفاوتی از این‌گونه شهرها ارائه نمود و آنها را در قالب باغ‌شهرهایی با کارکردهای تولیدی، خدماتی و گردشگری به رسمیّت شناخت. چرا که سه کارکرد مهم به‌طور توأمان در آنها مشاهده می‌شود.

۱. نقش تجاری، اداری و خدماتی ؛ در بازارهای حاشیه‌ی جادّه سراسری که به ارائه کارکردهای زیر می‌پردازد:

الف) بازار عرضه محصولات کشاورزی (به‌ویژه برنج) و تأمین نهاده‌های تولید؛

ب) تأمین نیازهای روزمرّهٔ روستاییان به‌وسیله‌ی خرده فروشی‌ها، تعمیرگاه‌ها و سایر واحـدهای تجـاری کـه البته پاسخگوی مشتریان بین راهی جاده‌ی اصلی اردبیل، آستارا، تهران نیز هستند؛

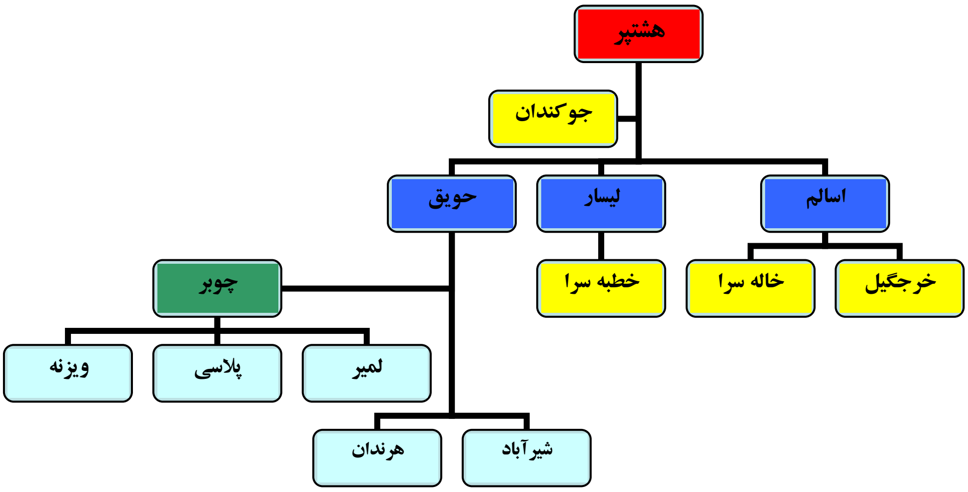
پ)فعّالیّت‌های صنعتی فراوری محصولات کشاورزی، مانند برنجکوبی و کارگاه‌های صنایع چوب؛

ت)محل استقرار خدمات آموزشی، بهداشتی–درمانی، مالی–اعتباری و اداری–انتظامی.

۲. کشت–شهر: اراضی کشاورزی به‌ویژه شالیزارها بخش عمده‌ای از چشم‌انداز شـهرهای تـازه تأسـیس و روستاهای پیرامون را تشکیل می‌دهند که حاکی از برتری و اهمیت فعّالیّت‌های بخش کشاورزی (به‌ویژه کشت برنج) می‌باشد.

۳. چشم‌انداز باغ‌شهر: بافت پراکنده و متخلل محلّه‌های مسکونی، در میان باغ‌های مثمر و غیر مثمر، جنگل‌ها و بوته‌زارهای ساحلی از کوهپایه تا دریا گسترده شده و شـهر مزبـور را بـه لحـاظ مورفولـوژی تبـدیل بـه باغ‌شهری نموده است.

نمودار: نظام سلسله مراتبی مکان‌های مرکزی تالش



جمع‌بندی و نتیجه گیری

به‌طور کلّی شکل گیری سازمان فضایی و نظام سکونت‌گاهی ناحیه‌ی تالش تحت تأثیر ویژگی‌های طبیعـی و روندهای سیاسی و اقتصادی–اجتماعی طیّ مراحل زیر شکل گرفته و تکامل یافته است:

۱. مرحله‌ی استقرار طبیعی سکونتگاه‌های انسانی: از گذشته‌های دور تا قرون معاصر، اهالی تالش بیشتر به زندگی کوه نشینی و نیمه کوچروی در داخل حوضه‌ی رودها پرداخته‌اند و مهمترین آبادی‌ها در ارتفاعات ییلاقی برپا گردیده بود. به‌تدریج آبادی‌ها و مساکن پراکنده‌ای نیز در جنگل‌های کوهستان‌های میانی و مشرف به دره رودها استقرار یافت؛

۲. شکل گیری آبادی‌های کشاورزی در پایین دست درّه رودها و حوضه‌ی آبیاری آن‌ها در حاشیه‌ی آبراهه و شعبات آن؛

۳. شکل گیری بازارها و بنادر کوچک در مصب رودهای بزرگ ناورود، کرگان‌رود، لیسار و حویق؛

۴. احداث جاده سراسری تالش در بخش میانی و کوهپایه‌ای جلگه‌ای و متروکه شدن بازارهای ساحلی گردید استقرار بازارهای محلّی در گره گاههای جاده و آبراهه‌ی اصلی رودها که ابتدا به تکوین شهر هشتپر مرکز شهرستان تالش منجر گردید و سپس بازارهای دیگر را در جنوب و شمال این شهر ایجاد نمود؛

۵. بازارهای روستایی با توجه به جمعیّت حوضه‌ی نفوذ و موقعیّت‌شان به دو سطح تقسیم شدند، بازارهای بزرگتر اسالم، لیسار، حویق و چوبر که مراکز خرده نواحی گردیدند. دوم: بازارهای کوچکتر که مراکز محلّی دره‌های مستقل ناحیه را عهده‌دار هستند. بدین ترتیب نظام سکونتگاهی و سازمان فضایی تالش از چهارسطح تشکیل شده است.

الف) شهر ناحیه‌ای هشتپر،

ب) مراکز خرده نواحی اسالم، لیسار، حویق و چوبر که معادل با مراکز منظومه‌ها هستند.

پ) مراکز محلّی؛ خاله سرا، جوکندان، خطبه سرا که معادل با مرکز دهستان یا مرکز مجموعه هستند.

ت) بازارهای کوچک شیرآباد، هرندان، پلاسی، لمیر و ویزنه که معادل با مرکز حوزه‌های روستایی می‌باشند.

یادداشت‌ها:

۱. فعّالیت‌هایی که فضای چندانی لازم ندارند، مانند تأسیسات تجاری.

۲. فرهنگ آبادی‌های کشور، ستاد مشترک ارتش جلد اول استان یکم، ستاد مشترک ارتش ۱۳۲۸.

منابع و مآخذ:

۱. اجلالی پرویز(۱۳۷۳)،*تحلیل منطقه‌ای و سطح بندی سکونتگاهها*، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه.

۲. اداره آبیاری شهرستان تالش، خلاصه عملکرد سال ۱۳۸۴.

۳. اصلاح عربانی ابراهیم(۱۳۷۱)، *گیلان در تقسیمات کشوری*، در کتاب گیلان جلد دوم، گروه پژوهشگران ایران، وزارت ارشاد اسلامی.

۴. احمدی حسین، تالشان(۱۳۸۰)، *مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی*، تهران.

۵. بازن مارسل(۱۳۶۷)، *طالش منطقه‌ای قومی در شمال ایران*، ترجمه‌ی مظفرامین فرشچیان،آستان قدس.

۶. خراط زبر دست اسفندیار(۱۳۷۸)، *عملکرد شهری در توسعه روستایی*، فصلنامه مسکن و انقلاب شماره ۸۴: ۲۷.

۷. خلعتبری محمدرضا(۱۳۸۳)، *کاوش های باستان شناسی در محوطه باستانی تالش*، مریان و تندبین، سازمان میراث فرهنگی گیلان.

۸. خودزکو الکساندر(۱۳۵۴)، *سرزمین گیلان*، ترجمه سیروس سهامی انتشارات پیام.

۹. دولفوس اولیویه(۱۳۷۳)، *فضای جغرافیایی*، ترجمه سیروس سهامی، نشرنیکا مشهد.

۱۰. رابینوه. ل.(۱۳۵۴)، *ولایات دارالمرز ایران گیلان*، ترجمه جعفر خمامی زاده، انتشارات طاعتی رشت.

۱۱. رهنمایی محمد تقی(۱۳۶۹)، مجموعه *مباحث و روش‌های شهرسازی- جغرافیا*، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی:۹۱.

۱۲. سازمان جهاد کشاورزی شهرستان تالش(۱۳۸۴)، *خلاصه عملکرد سال ۱۳۸۴*.

۱۳. ستاد مشترک ارتش(۱۳۲۸)، *فرهنگ جغرافیایی کشور* ،جلد یکم.

۱۴. سالنامه‌ی آماری (۱۳۸۴)، *استان گیلان*، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان.

۱۵. ستوده منوچهر(به کوشش) (۱۳۶۲)، *حدودالعالم*، کتابخانه طهوری.

۱۶. سعیدی عباس(۱۳۸۴)، روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی- شهری (یک بررسی ادراکی) در: *جغرافیا*، *نشریه انجمن جغرافیدانان ایران*، شماره ۱ پاییز و زمستان ۱۳۸۲: ۹۱-۷۱.

۱۷. شبلینگ ژاک(۱۳۷۷)، *جغرافیا چیست؟*، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا.

۱۸. شرکت جهاد تحقیقات آب و آبخیزداری(۱۳۷۸)، *مطالعات جامع مهار سیلاب استان گیلان*، جلد اول، محدوده حوزه تالش.

۱۹. شورای اصناف شهرستان تالش(۱۳۸۴)، *گزارش عملکرد سالانه*.

۲۰. صرافی مظفر(۱۳۶۴)، *سیری در مباحث توسعه فضایی با نگاهی ویژه به طرح آمایش سرزمین*، سازمان برنامه و بودجه.

۲۱. عبداللهی ایرج(۱۳۸۲)، فراز و فرود شهر کرگانرود، *فصلنامه‌ی تحقیقات تالش*، تالش. شماره‌های ۹ و ۱۰ پاییز و زمستان.

۲۲. عظیمی ناصر(۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات اجتماعی و اقتصادی گیلان*، نشر گیلکان رشت.

۲۳. عظیمی ناصر(۱۳۸۱)، *پویش شهری و مبانی شهری*، نشر نیکا مشهد.

۲۴. فومنی عبدالفتاح(۱۳۴۹)، *تاریخ گیلان* ، به کوشش منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

۲۵. محمودی فرج اله(۱۳۷۳)، *سیمای طبیعی و زمین شناسی گیلان*، کتاب گیلان جلد اول، پژوهشگران ایران.